



نماد از قربانی به آسمان پس دادا هرچند در پایین‌ترین طبقه یک کودک گرسنه این نماد مقدس را بخورد... و نهایتاً تنها راه رستگاری نه از بالاترین طبقه نزدیک به آسمان، بلکه از زیرین‌ترین طبقه (جهنمی‌ترین موقعیت این زندان عمودی) آنجا که مرزهای توهم و واقعیت کنار رفته و هیچ‌کدام شان قابل تشخیص نیست (نه برای قهرمانان داستان و نه برای مامخاطبان فیلم) باز خواهد شد... در فیلم سکو نیز همچون بسیاری دیگر از آثار سینمایی علمی و تخیلی، تکنولوژی ماهیتی متافیزیکی به خود گرفته است. این تکنولوژی ست

که دنیای درونی فیلم را ساخته است (مثل سریال سیلوا) و این تکنولوژی ست که مستقیماً در خدمت خالق (یا خدایان) این دنیا قرار گرفته است و این تکنولوژی ست که در یک کلام... جایگزین و جانشین «تقدیر» شده است! قطعاً در مورد «سکو» نیز باید خیلی مفصل‌تر از اینها بحث کرد، اما باز هم چیزی را در نتیجه‌گیری نهایی تغییر نخواهد داد.

در زندان دنیا غذا به اندازه کافی و با بهترین کیفیت‌ها وجود دارد. اگر هر کس به اندازه نیاز واقعی خودش بخورد، هیچ کس گرسنه نخواهد ماند. می‌توان با جیره‌بندی همه را زنده نگه داشت، اما چرا باید چنین کاری کرد؟! وقتی شانس و فرصت هست و می‌توان بیشتر خورد و لذت برد، چرا باید به دیگران اعتماد کرد که در چنین وضعیتی همین کار را انجام ندهند؟! اصلاً زنی در این داستان هست که انگار معتاد آدمخواری شده و از قصد به طبقات پایین می‌رود که از مرده‌خواری لذت ببرد. چقدر؟

آنقدر که حتی ظاهراً حاضر نیست آن را با غریزه مادری خودش عوض کند! (اشاره به همان کودکی که در پایین‌ترین طبقه زندگی می‌کند و واقعاً معلوم نیست چرا و چطور هنوز زنده مانده است؟! فیلم سکو شاید نهایتاً یک روایت خاص از سرمایه‌داری را تئوریزه کند، اما به هیچ وجه آن را تبریئه نمی‌کند! لیبرال سرمایه‌داری بنا بر ذات کثیف و درنده‌خویی اکثریت مردم شاید پایان تاریخ باشد... بن‌بستی که هیچ راه گریزی از آن نیست... اما به هیچ وجه نظریه‌ای برای رساندن مردم به سعادت و خوشبختی هم نیست.

روشنفکران احمقی که نمی‌خواهند واقعیت را قبول کنند و معمولاً گرایش‌های سوسیالیستی دارند، در برابر این پایان تاریخ (در پایین‌ترین طبقه و اوج سقوط انسانیت!) هیچ راهکار دیگری غیر از جنگیدن با همین اکثریت و کشتن آن‌ها از یک سو و دیوانگی (متوهم شدن و معاشرت با ارواح!) و خودکشی از سوی دیگر ندارند...

کل داستان سریال خانه پوشالی (یکی دیگر از قوی‌ترین سریال‌های سیاسی سال‌های اخیر) که در حد تهوع‌آوری توسط منتقدان مختلف نقد و بررسی شده را می‌توان در این گزاره خلاصه کرد:

”

دیکتاتورهای جهان سرمایه‌داری برای کنترل افکار عمومی ملت‌های خودشان هیچ ترسی از راه‌اندازی جنگ جهانی سوم... یا هر جنایت بزرگ و کوچکی دیگری ندارند! زیرا تکنولوژی می‌تواند آن‌یک درصد مولتی میلیاردی جامعه را (بعد از قتل عام باقی ۹۹ درصد مردم جهان) زنده نگه دارد...



SELECTION OFFICIELLE
FESTIVAL DE CANNES 2011

DOGVILLI

